

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت‌وگو با «قدس» تبیین کرد

تبیین ارزش‌های قیام حسینی در زیارت اربعین

امعارف/ وحید اکرمی؛ **ز**یارت اربعین« گنجینه بزرگی است که باید عاشوراپژوهان و تحلیلگران انقلاب عاشورا به آن روی آورند و درس‌ها و پیام‌های آن را بیابند و آن را پایه و زیربنا و اصول نوشتار خویش قرار دهند.

هر ساله در ایام اربعین حسینی جمعیت زیادی را می‌بینی که سیه‌پوشیده و خود را آماده عزاداری برای سید و سالار شهیدان می‌نمایند. گروهی خود را به کربلا رسانیده و گروهی دیگر در شهرهای خود مجالس روضه و ذکر مصیبت را اقامه می‌کنند. براسی اهمیت اربعین و زیارت آن برای شیعیان در چیست؟ گفت‌وویی را با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جواهری، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد انجام دادیم که از نظر می‌گذرد:

♦ اهمیت زیارت اربعین برای شیعیان در چیست؟

زیارت اربعین یکی از مهم‌ترین منابعی است که می‌توانیم به فلسفه انقلاب عاشورا پی ببریم. بهترین منبع برای شناخت چیستی و چرایی و فلسفه انقلاب عاشورا کلام معصومین(ع) است. گفتار امامان(ع) درباره حضرت سیدالشهدا(ع) روشنگر ساختار ماهیت دینی حماسه حسینی است. پس از شهادت حسین‌بن‌علی(ع) در کربلا حقیقت قیام و چیستی و چرایی آن را اهل بیت(ع) در قالب زیارتنامه‌های متعدد در مناسبت‌های متفاوت تبیین کرده‌اند. متن اصلی زیارتنامه‌ها، منبع بی‌نظیر و مرجع معتبر و اصلی برای شناخت ابعاد گوناگون انقلاب عاشورا و قیام حماسه حسینی است.

«زیارت اربعین» که در روز اربعین قرائت می‌شود یکی از همین زیارتنامه‌های معتبر با ارزش و راهگشاست. اهداف قیام امام حسین(ع) بخش اصلی ماهیت نهضت حسینی را تشکیل می‌دهد. پرسش اساسی و مهم در زمینه نهضت حسینی مسئله هدف‌شناسی و علت و انگیزه قیام است. سؤال اصلی درباره حوادث عاشورای سال ۶۱هجری این است که چرا حسین‌بن‌علی(ع) قیام کرد و شهید شد؟ امام صادق(ع) در متن زیارت اربعین پاسخ این پرسش را داده‌اند. ایشان در قسمتی از زیارت اربعین درباره انگیزه و هدف امام حسین(ع) فرموده‌اند: «حسین بن‌علی در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای برای هیچ کس باقی نگذاشت و بی‌درغ خیرخواهی و نصیحت نمود و جان خود را در راه تو داد تا بندگانت را از جهالت، نادانی، سرگردانی و گمراهی برهاند.»

اری کلام و خلوت امام حسین(ع) مسلمانان را از جهالت و ضلالت رهانید. عوامل رهایی از ظلم و جهل و فساد و راه نجات از شر طاغوت‌ها و پادشاهان تبهکار، در گفتار و رفتار امام حسین(ع) نهفته است. «زیارت اربعین» گنجینه بزرگی است که باید عاشورا پوهان و تحلیلگران انقلاب عاشورا به آن روی آورند و درس‌ها و پیام‌های آن را بیابند و آن را پایه و زیربنا و اصول نوشتار خویش قرار دهند. زیارت اربعین بیانگر ابعاد گوناگون معارف عاشورا برای اهل تقوا و اهل ایمان و عمل است.

♦ چرا امام حسن عسکری(ع) یکی از نشانه‌های اهل ایمان را زیارت اربعین ذکر کرده‌اند؟

بله امام حسن عسکری(ع) در تبیین نشانه‌های

اهل ایمان فرموده‌اند: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، گذاشتن پیشانی و سجده بر خاک و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن» بنابراین، هم ردیف شدن زیارت اربعین با نمازهای واجب و نافله یومیه، اعتبار زیارت اربعین را در سطح نماز بالا می‌برد. نشانه‌های مؤمن و شیعه نخست نماز و سپس زیارت اربعین است. بنابراین همان طور که نماز ستون دین و از فروغ آن است، دین و ولایت و امامت است و به همان میزان ارزش و اعتبار و احترام دارد. همین قرار گرفتن زیارت اربعین در فهرست نشانه‌های ایمان در کلام امام حسن عسکری(ع)، نص معتبری برای اثبات حقانیت و جایگاه زیارت اربعین در فرهنگ اسلامی‌است.

♦ چه ویژگی‌هایی در زیارت اربعین هست که سبب شده یکی از علامت‌های مؤمنان باشد؟

در زیارت اربعین آثار سودمند فراوان معنوی نهفته است که بر اساس آن‌ها، زیارت اربعین ستون ایمان معرفی شده است. برپایی زیارت اربعین در کربلا جلوه‌های ایمان به خدا را به جهانیان نشان می‌دهد. زائران در زیارت اربعین با رفتار و گفتار امام حسین(ع) آشنا می‌شوند و از مدرسه اهل‌بیت(ع) درس زندگی می‌گیرند. مؤمن حقیقی آن انسانی است که هیچ‌گاه حماسه حسینی را فراموش نمی‌کند. او همواره تلاش می‌کند سیره و اهداف سیدالشهدا(ع) و سبک زندگی امام حسین(ع) را بشناسد و در رفتار و گفتار به امام نزدیک گردد. کوشش در راه شبیه‌سازی فعلی و

عملی به امام حسین(ع) از ایمان بر می‌خیزد. در طول تاریخ زندگی و حیات بشر در کره زمین برای هیچ انسانی اربعین‌های پایدار در بیش از هزار سال برگزار نشده است. تنها برای امام حسین(ع) است که از اربعین سال ۶۱ هجری قمری تا امروز پیوسته اربعین بر گزار شده است و تا روز قیامت هم برپا خواهد شد.

♦ نقش و پیوند جابرین عبدالله انصاری با زیارت اربعین در چیست؟

سفر زمراتی جابرین عبدالله انصاری در اربعین امام حسین(ع) به کربلا، در تاریخ اسلام و تقویم شیعه، از رخدادهای مشهور پس از عاشورای سال ۶۱ می‌باشد.

زیارت اربعین صحابی رسول خدا(ص)، جابرین

عبدالله انصاری، در روز بیستم صفر سال ۶۱

«در ایسن روز جابرین عبدالله انصاری از مدینه به

کربلا وارد شد و او نخستین کسی از مردم بود

که قیر امام حسین(ع) را زیارت کرد و زیارت امام

حسین(ع) در این روز مستحب است و آن زیارت

اربعین است.»

گزارش زیارت اربعین سیدالشهدا(ع) از سوی

جابرین عبدالله انصاری با دو روایت آمده است.

نخست‌نقل ابوجعفر محمدبن ابوالقاسم عمادالدین

طبری امامی از دانشمندان قرن ششم است که در

کتاب بشاره المصطفی لشيعه المرتضى به تفصیل

و به طور مستند، داستان زیارت جابر و عطیه عوفی

را نقل کرده است اما در آن سخنی از ملاقات وی

با اهل بیت امام حسین(ع) نیست. روایت دوم

♦ ماجرای حضور جابر در کربلا چیست؟

ابوجعفر محمدبن ابی القاسم عماد الدین طبری، با سندش از عطیه بن سعدبن جناده عوفی چنین نقل کرده است: «با جابرین عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع) به راه افتادیم. چون به کربلا رسیدیم جابر به سوی فرات رفت و غسل کرد، سپس پارچه‌ای به کمر بست و پارچه‌ای به دوش انداخت و عطر زد و آن گاه ذکرگویان به سوی قبر امام رفت. وقتی نزدیک قبر شد، گفت: دستم را بگیر و روی قبر بگذار، من دستش را روی قبر گذاشتم، جابر خود را به روی قبر انداخت و آن قدر گریه کرد که بی‌هوش شد. من بر او آب پاشیدم تا به هوش آمد. آن گاه سه بار گفت: یا حسین. سپس گفت: حبیب لا

یحبیب حبیبه؛ دوست پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟

بعد ادامه داد: اما چگونه پاسخ دهی، درحالی که

رگهای گردنت را بریده و بین سر و بدنت جدایی

انداخته‌اند. گواهی می‌دهم که تو فرزند خاتم

پیامبران و پسر سرور مؤمنان و همیمان تقوا و

از نسل هدایت و پنجمین نفر از اصحاب کسائی،

فرزند سرور نقیان و پسر فاطمه(س) سرور زنائی

و چرا چنین نباشی که سالار پیامبران با دست

خویشی غذایت داده و در دامان متقین تربیت

شده‌ای و از سینه ایمان شیر خورده‌ای و از دامان

اسلام برآمده‌ای. خوشا به حالت در زندگانی و در

مرگ. دل‌های مؤمنان در فراق تو ناخشنودند، اما

شک ندارد که آنچه بر تو گذشت خیر بوده است.

سلام و خشنودی خدا بر تو باد. شهادت می‌دهم

که تو همان راهی را رفتی که برادرت یحیی بن

ذکریا پیومه است. آن گاه نگاهی به اطراف قبر

افتند و گفت: سلام بر شمای جان‌های پاک که



برش

در زیارت اربعین آثار سودمند فراوان معنوی نهفته است که بر اساس آن‌ها، زیارت اربعین ستون ایمان معرفی شده است. برپایی زیارت اربعین در کربلا جلوه‌های ایمان به خدا را به جهانیان نشان می‌دهد.

در آستان حسین فرود آمدید. گواهی می‌دهم که شما نماز را برپا داشتید و زکات پرداختید و امر به معروف ونهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آنکه مرگ شما فرا رسید. سوگند به خدایی که محمد(ص) را به حق فرستاد، ما در راهی که رفتید، شریک شماییم. به جابر گفتم: چگونه با آنان شریکم، درحالی‌که نه با آنان دشمنی پیمودیم و نه از بلندی سر از پیکرهایشان جدا شد و فرزندانشان یتیم و همسرانشان بیوه شدند؟

جابر گفت: ای عطیه، از حبیبم رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: «من احب قوماً حشر معهم و من احب عمل قوم اشرك فی عملهم؛ هر کس گروهی را دوست بدارد، در عمل آنان شریک است و هر کس عمل قومی را دوست بدارد در عمل آنان شریک است». سوگند به آن که محمد(ص) را به حق به پیامبری فرستاد، نیت من و نیت یارام همان است که امام حسین(ع) و اصحابش داشتند.

♦ آیا جابر برای ابتکار توسط معصومین(ع) مأمور شده بود یا به تشخیص خود چنین کاری انجام داد؟

جابر به تشخیص خود در کربلا حاضر شد اما عمل جابر، صحابی موثق و مورد اعتماد رسول‌الله(ص)



و چهار امام(ع)، برای اعتباربخشی و ارزشمندی زیارت اربعین سبند و مدرک بزرگی است. جابر از سیره نبوی و علوی و اهل بیت(ع) آگاه بود و احادیث زیادی را از معصومین(ع) نقل کرده است و عمل و گفتار وی از کار بیپهوده پاک بوده است. در زیارت اربعین روشنگر اصالت این زیارت است. گام‌های جابر صحابی و عطیه تابعی در زیارت اربعین، راهنمای شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) شده است و این زیارت وی شاهدی بر حقانیت زیارت اربعین است.

همزمانی زیارت اربعین جابر با زیارت اهل بیت(ع) بویژه امام زین‌العابدین(ع)، درستی تصمیم وی را آشکار می‌سازد. او از مدینه به قصد زیارت امام حسین(ع) آمد و امام سجاد(ع) از شام به کربلا برای زیارت سیدالشهدا(ع) آمدند. این هماهنگی ارزش فراوان زیارت اربعین را آموزش می‌دهد.

♦ آیا به جز اقدام جابر موضوع دیگری هم بوده است که بر جلوه اربعین افزوده باشد؟

ماجرای بازگشت سسر مبارک امام حسین(ع) و شهادی کربلا و دفن آن به همراه اجساد مطهرشان نیز بنابر روایات گوناگون در اربعین اتفاق افتاده است. سید مرتضی در این باره می‌گوید: «سر امام حسین(ع) از شام به بدن امام در کربلا بر گشت و دفن شد و به بدن ضمیمه شد». ابن شهر آشوب ابتدا قول سیدمرتضی را آورده است و سپس می‌نویسد: شیخ طوسی گفته است به همین سبب (الحاق سر به بدن) زیارت اربعین پدید آمده است.

شهید سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی در کتابی که برای رد ادعاهای منکران حضور اهل بیت(ع) در اول اربعین در کربلا نوشته است، در این موضوع چنین عنوانی دارد: «ملحق کردن امام سجاد(ع) سر اطیب سیدالشهدا(ع) را به جسد مبارک بعد از ۴۰ روز».

خبر

خدمات موکبی برای ۱۵ هزار نفر زائر اربعین



ایکنا: موکب مجتمع خدماتی و رفاهی فاطمه‌الزهرا(س) در منطقه توره‌العشرین در نجف اشرف یکی از موکب‌هایی است که به همت مردم استان تهران توسط ستاد بازسازی عتبات عالیات در حال ساخت است.

این موکب در حال حاضر امکان ارائه خدمات به ۱۵ هزار نفر را دارد و یکی از بزرگ‌ترین موکب‌های اسکان و تغذیه ایرانی است که با همت خیران تهرانی، استانداری تهران و با همکاری ادارات عراقی چند سال است به زائران خدمات می‌دهد. موکب دائمی حضرت زهرا(س) به ظرفیت ۳۵ هزار نفر در منطقه توره‌العشرین آغاز شده است.

حضور اهل سنت در راهپیمایی اربعین و تبدیل حماسه به رزمایش وحدت



معارف: همزمان با حضور باشکوه و گسترده شیعیان در بزرگ‌ترین راهپیمایی جهان به سمت کربلای معلی، گروه‌هایی از اهل سنت نیز با حضور در این راهپیمایی، ایسن مراسم را به مانور وحدت تبدیل کرده‌اند.

برخی از راهپیمایان اهل سنت می‌گویند هدفشان از حضور در این راهپیمایی پاسخ به تفرقه‌افکتان و تأکید بر ضرورت وحدت و اتحاد شیعه و سنی در مقابل توطئه افکنی دشمنان اسلام بوده است.

فکرانزنگر

معارف

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷

۱۹ مهر ۱۴۴۰ | ۲۹ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۱۸۸ |

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر عباس نصیری فرد

تأثیرگذاری اربعین بر سبک زندگی اسلامی

بی‌شک قیام امام حسین(ع) را می‌توان به عنوان یکی از عناصر و پدیده‌های تأثیرگذار در مبانی ساخت تمدن اسلامی مطرح کرد؛ زیرا مبانی تمدن براساس فطرت بشر است که مخالف با ظلم و استبداد و به دنبال عدالت است و رفتارهای ظالمانه را نمی‌پذیرد، بنابراین همه مواردی که می‌تواند مبانی سیر حرکت یک تمدن باشد در ماهیت و قیام امام حسین(ع) وجود دارد.

امام حسین(ع) به دنبال نجات جامعه بشری از ظلم و استبداد است، از این رو آن بزرگوار در آن قیام جانسوز سبک زندگی مطابق با فطرت انسانی را برای بشریت به ارمان آورد و سبک زندگی درست که سیر تکملی داشته باشد و تمدن‌های بشری بتوانند بر مبنای آن حرکت کنند، به کل بشریت ارائه داد.

اربعین به عنوان یک حرکت نمادین در جهت پاسداشت قیام امام حسین(ع) از جمله شعار تمدن‌ساز به شمار می‌رود و این آیین بخش قابل توجه یک تمدن فرهنگ است، بنابراین راهپیمایی اربعین از عناصر فرهنگ‌ساز در سبک زندگی اسلامی است.

یکی دیگر از عناصر تأثیرگذار به لحاظ هستی‌شناختی، سبک زندگی است، از این رو اربعین نمونه‌ای از سبک زندگی مردم زمان به شمار می‌رود. چند ده میلیون انسان به پاس اقدام‌های بشر دوستانه امام حسین(ع) که توانسته مبانی تمدن اسلامی را در طول تاریخ ایجاد کند به سمت کربلای معلی حرکت می‌کنند تا در یک حرکت نمادین و مانور فرهنگ‌سازی تمدنی نشان دهند که تمدن عاشورایی امام حسین(ع) را از اصلی سعادت بشریت است.

بی‌شک جان‌ماهیه‌های تمدن باید از درون فرهنگی استخراج شود که در راستای رساندن بشر به آرامش و سعادت حرفی برای گفتن و تأثیرگذاری داشته باشد. اربعین یکی از بسترهای به کمال رساندن انسان است، چرا که باران امام حسین(ع) در دشت کربلا با شسرت در قیام عاشورایی و دنبال کردن سبک زندگی سیدالشهدا(ع) به کمال رسیدند. اینکه حضرت زینب(س) می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً» در عاشورا جز زیبایی چیزی ندیدم؛ به دلیل آن است که حضرت زینب(س) به کمال رسید، که در صحنه‌های خونین جان دادن عزیزانش که در راه خدا و نجات بشریت از ظلم و ستم شهید شدند چیزی جز زیبایی نمی‌بیند.

بر این اساس، اربعین به عنوان یکی از بسترهای تمدنی رو به تکامل انسان در انتخاب و الگوبری برای سبک زندگی باید مورد دقت و توجه قرار داده شود.

درنگ

ارزشی بیشتر از قطرات باران

معارف: مرحوم آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شبستری نقل کردند که: «من بارها با پای پیاده از نجف اشرف به زیارت امام حسین(ع) مشرف می‌شدم، در یکی از سفرها پای من تشدیداً آبله شده بود. خدمت مرحوم آیت‌الله العظمی خویی(قدس سره) رسیدم و از درد پاها شکایت کردم. مرحوم آقای خویی فرمودند: چندسر می‌خواهی تا (آبله) پاهارا به من بفروشی. مبلی طی شد.

مرحوم آیت‌الله العظمی خویی فرموده بودند فردا بیا پولت را بگیر.

همان شب حضرت صدیقه طاهره(س) را در رؤیا دیدم.

حضرت فرمودند: اگر ایشان به پاهای آبله تو این قدر پول می‌دهد ببین در قیامت اجر این زیارت شما چقدر است. «اگر به اندازه دانه‌های شن و قطرات باران برایت پول بدهم، نمی‌تواند اجر معنوی زیارت تو باشد».

فردا خدمت مرحوم‌آقای خویی مشرف شدم و اظهار پشیمانی نموده و جریان را نقل کردم. البته مرحوم‌آقای خویی آن وجه را به ما مرحمت فرمودند.

معرفی کتاب

از مدینه تا مدینه: گام به گام با کاروان حسینی

ایمنا: کتاب «از مدینه تا مدینه: گام به گام با کاروان حسینی» اثر احمد سلیمانی کاریزمه در چهار فصل با عنوان‌های «حوادث پیش از هجرت امام حسین(ع) از مدینه منوره»، «هجرت اباعبدالله(ع) از مدینه منوره به مکه مکرمه»، «اسارت» و «بازگشت به مدینه‌النبی» تدوین شده است. کربلا چگونه سرزمینی است، عمر بن سعد کیست، امان‌نامه، برخی وقایع بین راه کوفه تا شام، شام آماده ورود کاروان اسیران، خطبه حضرت زینب(س) در شام، خطبه امام سجاد(ع) در شام، نتایج اسارت اهل بیت(ع) در شام، گاهی اهل مدینه از شهادت سیدالشهدا(ع)، حرکت کاروان به سوی مدینه و اخبار درباره رأس مطهر امام حسین(ع)، از مهم‌ترین سرفصل‌ها و موضوعات کتاب حاضر است.نخستین چاپ کتاب «از مدینه تا مدینه: گام به گام با کاروان حسینی» در ۱۴۸ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به بهای ۱۲ هزار تومان، در روزهای اخیر از سوی انتشارات زعیم راهی بازار نشر شده است.

تصویر اربعین

پرویز پرستویی در راهپیمایی اربعین



معارف: راهپیمایی پرشور «جاماندگان»

اربعین حسینی در مسیر میدان امام حسین(ع) تا حرم حضرت عبدالعظیم(ع) برگزار می‌شود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، همزمان با برگزاری راهپیمایی عظیم اربعین حسینی در کربلای معلی، مراسم پیاده‌روی اربعین در شهر تهران برگزار می‌شود و جاماندگان از زیارت کربلا می‌توانند در این مراسم شرکت کنند

سعيد اوجدی رئیس سازمان فرهنگي هنری

فردا برگزار می‌شود

راهپیمایی پر شور جاماندگان اربعین حسینی در تهران

شهرداری تهران گفت: راهپیمایی اربعین در تهران از میدان امام حسین(ع) آغاز می‌شود و مسیر پیاده‌روی تا حرم حضرت عبدالعظیم(ع) ادامه دارد و شهروندان تهرانی می‌توانند از ساعت ۶:۳۰ صبح روز سه‌شنبه ۸ آبان ماه به میدان امام حسین(ع) مراجعه کنند. این مسیر به طول تقریبی ۱۷ کیلومتر تعیین شده است و عزاداران حسینی از خیابان ۱۷ شهریور، میدان شهدا، میدان خراسان، میدان شوش، خیابان فداییان اسلام، سه‌راه ورامین و میدان شهر ری

می‌گذرند تا هنگام نماز ظهر و عصر به حرم حضرت عبدالعظیم(ع) برسند.

رئیس سازمان فرهنگی هنری افزود: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده با هماهنگی‌هایی که با شرکت مترو و اتوبوسرانی انجام شده است، مسیر برگشت شهروندان از شهری رایگان خواهد بود.

در این پیاده روی ۲۰ موکب با همکاری کانون‌های فرهنگی هنری مساجد نیز فعالیت دارند. شهرداری‌ها نیز با عنوان «خادم‌الحسین» و با شعار «حب‌الحسین

ترجمه «من قاتل پسر تان هستم» به زبان لهستانی

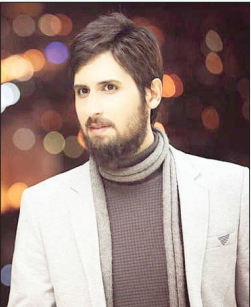
باشگاه خبرنگاران: افشین شحنة‌تبار، مدیر انتشارات ایرانی انگلیسی «شمع و مه» از ترجمه رمان «من قاتل پسر تان هستم» اثر احمد دهقان به زبان لهستانی خبر داد و گفت: این کتاب به کوشش دوروتا سوآپا مترجم لهستانی ترجمه شده است و به زودی منتشر می‌شود. وی همچنین به فروش خوب نسخه انگلیسی این کتاب در آمازون اشاره کرد و ادامه داد: این کتاب یکی از معدود کتاب‌های دفاع مقدس است که توانسته با مخاطب انگلیسی‌زبان در بریتانیا و آمریکا ارتباط خوبی برقرار کند؛ البته مترجم کتاب کارولین کراسکری، شرق‌شناس آمریکایی نیز در معرفی این کتاب به جامعه مخاطبان هدف نقش بسیاری داشته است. شحنة‌تبار همچنین به معرفی کتاب در جشنواره ملل آمریکا توسط مترجم اشاره کرد و افزود: در نظر داریم تا در یکی از دانشگاه‌های لهستان پس از انتشار کتاب برنامه‌ای برای معرفی کتاب برگزار کنیم و در پایان فیلم «پادشاس سکوت» را که برگرفته از این کتاب است، با زیرنویس لهستانی به نمایش بگذاریم.

«من قاتل پسر تان هستم» مجموعه داستانی از احمد دهقان است که به آثار جنگ تحمیلی پرداخته است. داستان‌هایی تلخ و در عین حال واقعی از مردان جنگ که بعد از جنگ سختی‌های بسیاری را متحمل شدند. دهقان این کتاب را در سال ۸۳ منتشر کرد و پس از آن با انتقادهای بسیاری روبه‌رو شد. او در دفاع از کتابش گفته است: داستان اگر انسانی نباشد داستان جنگ اگر به سرنوشت انسان‌ها نپردازد، شکست می‌خورد. عده‌ای همه آدم‌ها را در خط کشی ساختگی خود جا می‌دهند و نویسندگان را طبقه‌بندی می‌کنند. آنان نمی‌خواهند نویسنده خودش باشد و چنان جوی ایجاد می‌کنند که ادبیات ربا و دروغ‌گویی شکل می‌گیرد. به شعار دادن عادت کرده‌ایم و فکر می‌کنیم ادبیات جنگ، شعار است؛ مثل ادبیات دوران شوروی سابق که همه می‌خواستند «زمین نوابه» نوشته شود. فضای روحانی جنگ با فریاد و ربا و دغل به دست نیامد. صدها هزار انسان ارمانگرا در جایی به نام جبهه جمع شدند و توانستند بزرگ‌ترین تحول اجتماعی و فردی را بیافرینند. آدم‌های جنگ همین آدم‌های کوچه و بازار بودند.

نسخه انگلیسی «من قاتل پسر تان هستم» توسط کارولین کراسکری شرق‌شناس و محقق دانشگاه یوسی‌ال‌ای کالیفرنیا و زهرا رضازاده ترجمه و طرح جلد آن نیز توسط پژمان رحیم‌زاد طراحی شده است.

انتشار قطعه «سرانجام» حامد زمانی در آستانه اربعین

مهر: «سرانجام» عنوان تازه‌ترین قطعه موسیقایی تولید شده توسط حامد زمانی، خواننده موسیقی پاپ کشورمان است که در آستانه فرا رسیدن ایام سوگواری اربعین حضرت سیدالشهدا(ع) در دسترس مخاطبان قرار گرفت. در این قطعه که به زبان فارسی و عربی توسط استودیو «ایستاده» به سفارش مؤسسه «منتظران منجی» منتشر شده، قلمب صرافان و مرمتی آل کثیر ترانه سرا، حامد زمانی آهنگساز و خواننده و امیرجمال‌فرد تنظیم‌کننده گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند.



نگاهی به کتاب «سفرنامه با صاد» سروده سید مهدی موسوی برای پیاده‌روی اربعین

جاده‌ای در حرکت

علی داودی: حادثه عاشورا تا همیشه حرف دارد و بسا تکرار هر روزه، جلوه‌ای جدید از این قیام زنده زاده می‌شود و جهان را تکان می‌دهد و ابعاد تازه‌ای از آن کشف می‌شود و ظرفیت‌های جدید و جریان‌های تازه‌ای را نشان می‌دهد تا همه ارکان و شئون زندگی را متصل به این دریای جوشنده بیکران کند؛ از جمله این جلوه‌ها یکی اربعین (چهل‌م شهادت) حسینی است که سنت زیارت از همان سال نخست توسط اهل بیت(ع) با اصحاب امام حسین(ع) اجرا شده است. البته اربعین مترادفی هم در فرهنگ دارد با عنوان «چله» که این تعبیر، تقدس و تأثیر عدد چهل را در شکل‌گیری امور و باورهای عامه می‌رساند: که ای صوفی شراب آنکه شود صاف/ که در شیشه بماند اربعینی.

لکن کلمه اربعین مختص، سیدالشهدا(ع) است و با چله ششینی فرق دارد اما از آن جهت که هر دو اشاره و تأکید به یک سلوک تربیتی و رفتار و آداب دارند مشترکند

این سال‌ها اما اربعین در ذهن ما تبادر حادثه‌ای دیگرست هم‌اا حماسه با هم بودن و راهپیمایی عظیم و روزافزون ملت‌های مختلف در مسیر نجف-کربلا که بر خلاف سلسله و ریشه داری این بروز جدید اتفاقی دیگرست و به اتفاق جهان می‌توان گرفت و این هنوز از نتایج حراست و گام نخست راه. نکته قابل تأمل دیگر در کنار اربعین مسئله سفر است. گذشته از آنکه سفرنامه نویسی گونه‌ای بوده در سنت نویسندگی که بیشتر مختص فضلا و علمای جهان‌پیمده اسما از این منظر که زندگی، نوعی سفر است، جذابیت‌های سفر همراه پهانه آفرینش ادبی بوده و شاعران به واسطه نقل آن مضمون سازی و نکته‌پردازی کرده‌اند؛ البته معدودی هم سفرنامه منظوم وجود دارد که معجون دیداری جدیدی از دنیاست.

ادب و هنر/ فاطمی، شیخ الاسلامی

ادب مراسم پیاده‌روی اربعین، که کم‌کم باید میعادگاه عاشقان نام‌گذاری‌اش کرد، یک نمایش باشکوه از عشق، اقتدار، حماسه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز حول محور یک شخصیت آزاده و دینی است. عاشقان امام حسین (ع) از گوشه گوشه عالم خاکی خودشان را به این راهپیمایی باشکوه می‌رسانند تا به قدر ظرف و عطش خود جرعه‌ای از دریای بی کرانه اربعین نوش جان کنند. طبیعی است به دلیل فوران این آتشفشان و خروش یکباره مراسم اربعین (به شکلی که در این سال‌ها برگزار شده است) هنوز مجال کافی برای ظهور و بروز کامل «هنر اربعینی» که به صورت کامل ویژگی‌های منحصر به فرد خودش را داشته باشد، به دست نیامده است. با این همه در این اندک سسل‌ها اتفاقات خوب و مبارکی نیز افتاده است و نشانه‌های روشن و زلالی از هنر اربعینی به ما رخ نشان داده است. یکی از این اتفاقات که مرهون قلم و نگاه و جوشش هنری هنرمندان جهانی اربعین است، تصویرسازی چهره ۱۱ شهید جهانی است که توسط مجید شهرابری و گروهش در روزهای منتهی به اربعین طراحی و در مسیر پیاده روی نجف تا کربلا برای زائران کربلای معلی به نمایش گذاشته شده است. با مجید شهرابری درباره چگونگی شکل‌گیری این ایده و ظرفیت اربعین برای خلق آثار هنری این‌چنینی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

♦ **نقاشی‌ها با چه ابزاری کار شده‌اند؟ در این کار همکاران دیگری هم داشتید؟**
نقاشی‌ها دیجیتال هستند. مدیریت هنری این پروژه با بنده بود که همراه با دو نفر دیگر از دوستان، آقای حسین جریان پور و آقای علیرضا دبیری از هنرمندان حوزه نقاشی دیجیتال، سه نفری کار را انجام دادیم و الحمدلله توانستیم در یک هفته به صورت جهادی، این کاری را که تقریباً غیرممکن است،انجام دهیم و تصویرسازی کنیم.

♦ **تفاوت نقاشی دیجیتال با نقاشی‌های رنگ روغن بگوید؛ اینکه چه سختی‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟**

نقاشی دیجیتال فرایندی است که در چندسال اخیر در دنیا جا افتاده است. نقاشی دیجیتال در واقع تکمیل همان انیمیشن است، یعنی پیش‌نویس همان انیمیشن است که طراحی می‌شود و بعد در قالب دوبعدی و سه بعدی استفاده می‌شود. نقاشی دیجیتال همان نقاشی سنتی آنالوگ است این پوسته‌ها به سفارش هیئت خدام العیاس و ستاد مردمی فرهنگی اربعین حسینی است. این ایده را ما چندسال بود که در ذهن داشتیم منتها منتظر فرصت بودیم تا نهادی برای حمایت و پوشش کار پیدا بشود تا بتوانیم به صورت بسیار گسترده تری

آنچه می‌خوانید

مامی‌خواستیم بگویم هدف همه شهیدا آزاده خواهی بوده است. یعنی از شهید آمریکایی مالکوم ایکس بگیرید که شهید راه آزادی‌خواهی است، یا ادواردو ایکس تا برسیم به راس این قضیه که آقا اباعبدالله(ع) است

تفاوتی که در این نقاشی هست سرعت بالای پخش و انتشارش در فضای مجازی است. به همین دلیل بیشتر هنرمندان به سمت نقاشی دیجیتال می‌آیند.

♦ **پشت تصاویر شهیدا تصویری دیده می‌شود که ظاهرآ بین الحرمین است؛ چرا این تصویر را انتخاب کردید؟**

ما می‌خواستیم بگویم هدف همه شهیدا آزاده خواهی بوده است. یعنی از شهید آمریکایی مالکوم ایکس بگیرید که شهید راه آزادی‌خواهی است، یا ادواردو ایکس و... تا برسیم به راس این قضیه که آقا اباعبدالله(ع) است. همه مردمی که در مسیر اربعین حرکت می‌کنند نیز آن ندای امام حسین(ع) را فریاد می‌زنند که «اَی دین ندراید لاقل آزاده باشیم». از آزادی‌خواهی ندای تمام آزاده‌خواهان دنیاست. از آن نیروی سپاه بگیرید که در تصویر است، تا آن شهیدی که از لبنان است و دیگر شهدا، همه طرفدار مظلوم بودند و می‌خواستند پرچم آزادی‌خواهی را برافراشته نگه دارند و این‌ها همه در این راه شهید شده‌اند. حتی آن سایه‌پوستی که در آمریکا شهید می‌شود ندایش ندای آزادی‌خواهی بوده است. این تیلوروش در اربعین است. این حق‌طلبی چیزی نیست که بگوییم فقط در انحصار جمهوری اسلامی است، نه، بلکه در تمام دنیا

شعر را از صرف معنیت و مصیبت بیرون آورده و موکبی را به فلسطین و یمن و غزه اختصاص داده. این خروج از تقویم تاریخی حیاتی تازه و مدام در رگان اسلام و جامعه می‌دمد و تصویری تازه از کربلا نمایش می‌دهد.

راهپیمایی اربعین مکتب درسی است برای فراگرفتن نگاه و برخورد کربلایی لذا شاعر به نقد و مقابله می‌پردازد:

این رسانه‌های مستمند/همطراز این رسانه نیستند/از

روایت تمام این شکوه عاجزند ۳۹ پر بسامدترین مضامین شعرها پیوند با تاریخ و فرهنگ شیعه است که جابه جا شاعر را از میان راه به کوچه‌های مدینه و کوفه و شام می‌برد: راه پیش روست می‌رویم و می‌رویم/ کودک درون من ولی هنوز/ در خرابه‌های شام مانده است ۳۴ شاعرانه جدید وجود دارد اما مدام شاعر به سرچشمه برمی‌گردد:

در میان راه/ دختری/ سسینی غذا به دست/ با نگاه کودک‌کناهش به زائران تعارف تبسم و سلام می‌کند «یا ضیوفنا!الکرام/ الطعام الطعام»/ من به اتفاق کودک درون خود به شام می‌روم ۳۲ گذشته از رویکرد محتوایی، موسوی در شیوه‌های بیان از امکانات تکنیکی فراوانی بهره جسته که از آن جمله یکی همین انتخاب قالب نیمایی است. منظر نو، فضای نو دارد از منظر تکراری کهن نمی‌توان توقع اتفاقی داشت.

دو دیگر ترنندهایی است که به تناسب هر شعری به کار گرفته است گاه روضه خوانی است: پیکری / در عیای خاکی پدر/ باغ سبب می‌شود ص ۵۳. پرداختن به بحث تکنیک هنری روضه خوانی خود مجالی و مقالی دیگر می‌طلبد به اشاره کفایت کنیم که شیوه‌ای بسیار مدرن است بویژه در سلسله تداعی که موضوع را گسترش می‌دهد در روضه با گفتن کربلا دل‌ها کباب می‌شود و با هر پهانه دل‌ها روانه! لذا در این شعرها از هر عنصری سوس جسته تا به سمت

مر ترضی شهریارِی، تصویر گر شهدای مدافع حرم از نقاشی ۱۱ شهید بین‌المللی در مسیر پیاده‌روی اربعین می‌گوید

سازمان «ملل منتظر»



شهیدا انجام دادند یک ارزش بزرگ است. ما وقتی چهره شهید را به فرزند شهید می‌دهیم، از همان لبخند و نگاه شوق‌آمیزی که آن دختر و پسر به چهره نقاشی شده پدرشان دارند متوجه می‌شویم که خوشحال شده‌اند و حالا آن‌ها هم می‌دانند که پدرشان چه قدر برای دیگران مهم، بارزش، محترم و عزیز است. باید بدانند پدر شهیدشان که برای دفاع از اسلام و انقلاب و مستضعفان عالم به شهادت رسیده‌است یک قهرمان است. این مفاهیم را با هنر می‌توان نشان داد؛ چرا که هنر تنها چیزی است که هیچ مرزی ندارد. یعنی یک هنر زیبا و نقاشی زیبا را هم یک آمریکایی می‌پسندد هم ایرانی می‌پسندد.

♦ **زبان تصویر بی‌زبانی است، یعنی نحوه ارتباط‌گیری‌اش با مخاطب و اثرش بر مخاطب با هنرهای زبانی متفاوت است.**

بله. هنر همین طور است؛ چون هنر یک عمقی دارد و قدرتش آن‌قدر بالاست که در ناخودگاه انسان اثر می‌گذارد. ما متأسفانه عملکردمان در هنر خوب نیست و باز هم متأسفانه در عرصه هنر نشر و توله‌مان ایجاد کم است، یعنی بیشتر هنرمندان ارزشی ما متأسفانه یا کم‌رنگ وارد این قضیه شده‌اند یا کارهایشان پوشش خبری و رسانه‌ای خوبی ندارد.

♦ **نکته ناگفته‌ای اگر دارد بر بفرمایید.**

بنده روزنامه قدس را خیلی وقت است که رصد می‌کنم. می‌بینم در حمایت از کارهای فرهنگی و هنری عملکرد خوبی دارد و پوشش خوبی می‌دهد. برای همین یک درخواست هم دارم. بنده چهره نزدیک به ۱۰۰ شهید را نقاشی کرده‌ام که بیشترشان هم شهیدای مدافع حرم هستند. در خواستیم از آستان قدس این است که با ما همکاری کند تا بتوانیم یک نمایشگاه نقاشی از چهره شهیدای مدافع حرم در حرم رضوی برگزار کنیم

در نیافتن و گنگی مدام که منجر به رفتار هنری می‌شود-که می‌گوییم-این و آن و در واقع هیچ نمی‌گویید. در برخی مواقع که خیال کم‌رنگ است و شعر تبدیل به خاطره و حتی نثر ادبی می‌شود نیز علت اصلی را باید در آزادی حرف زدن و صمیمیت با موضوع و شخصیت دانست که این مجال را می‌دهد تا از هرچه حرف بزنای حتی اگر حرف بی‌نشد. یکی دیگر از نقاط اوج شعرها رسیدن به یک پرسش است و پایان بندی شعر با یک سؤال که:

۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و

«پابه پای استنزیل؛ اُویسِ وین» به روایت کارگردان

روایت عاشقی یک مسیحی در مسیر پیاده‌روی اربعین

♦ با استنزیل رینر، تازه مسلمان آلمانی چطور آشنا شدید؟

ماجرا آشنایی با استنزیل رینر یا همان اسماعیل که بعد از مسلمان شدن این نام را برای خود انتخاب کرد، برمی گردد به راهپیمایی دو سال پیش اربعین. سال ۹۵ مانند سال‌های قبل از آن با هدف زیارت و همچنین فعالیت رسانه‌ای عازم راهپیمایی شدم و از ابتدا انتخاب کرده بودیم که ایسن بار روایت ماجرا را از غیر ایرانی و عراقی‌ها دنبال کنیم. آثانی که بتازگی وارد آتمسفر جهان تشیع و منطقه ما شده‌اند. علاقه‌مند بودیم از منظر انسان بزرگ‌ترین راهپیمایی جهان را به تصویر بکشیم. در مراحل پژوهش کار بودیم که مطلع شدم کاروانی از زائران اروپایی و اوراسیایی از کشورهای هلند، آلمان، سوئد، نروژ، دانمارک، اتریش، فرانسه، روسیه و… راهی عراق هستند. برنامه سفر خود را طوری چیدیم که یک روز قبل از ورود ایشان در محل استقرار کاروان آنان در نجف حضور داشته باشیم. یک گروه از روحانیون مبلغ دینی ایران که همگی مسلط به زبان‌های بین‌المللی بودند همراه بودند. آن‌ها به دنبال این بودند که بتوانند ارتباطات جهانی خود را با حضور در این راهپیمایی و آشنایی با گروه‌های فعال در امر تبلیغ گسترش داده و تقویت کنند. وقتی در محل مشخص مستقر شدیم با شمار زیادی از زائران مسلمان زاده یا تازه مسلمان آشنا شدم و روایت‌های کوتاهی در دو روز استقرار در نجف تهیه و منتشر کردیم. استنزیل یکی از آن افرادی بود که شب اول آشنایی روی خوش به ما نشان داد. وقتی با دوستانش ارتباط گرفتم داستان زندگی جالبی داشت. مردی که یک مسیحی معتقد و دیندار و بشدت متعصب بود و حتی به دنبال این بود که دیگران را متوجه دین مسیحیت کند و فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی خوبی هم انجام می‌داد، ولی ماجرا رفتنی جالب می‌شود که با مظهر بالیان مسلمان ترک آشنا می‌شود و بعد از مدت‌ها ارتباط با اینکه همه درباره این ارتباط به مظهر متذکر می‌شوند، این استنزیل است که به دین و مذهب مظهر علاقه‌مند می‌شود و راه اسلام و تشیع را برای خود بر می‌گزیند و مابقی ماجرا که روایتش را در مستند دیده‌اید.

♦ چرا زندگی او برای ساخت مستند پرت‌ره، جذابیت داشت؟

اینکه چرا روایت مسلمان شدن یا شیعه شدن یک خارجی یا روایت استنزیل از اربعین و تشیع را انتخاب کردم به این دلیل است که فکر می‌کنم بیشتر جوانان هم نسل ما یا نسل‌های بعد از ما، عموماً درک عمیق و صحیحی از اسلام ندارند. ما مسلمانیم به صرف تولد از یک پدر و مادر مسلمان و چیزی فراتر از چند متن کلی در کتاب‌های دینی دوران مدرسه از دین نمی‌دانیم و آن طور که باید



ا سیما و سینما/ زهره کهندل
ا مستند «پا به پای استنزیل؛ اویس وین» با محوریت روایت زندگی یک تازه مسلمان آلمانی به نام «استنزیل رینر» به نویسندگی و کارگردانی مهدی طوسی، مستندساز جوان کشورمان ساخته شده است.

این مستند روایت زندگی یک تازه مسلمان آلمانی و تشرّف به حقیقت دین را نشانختم یا اگر هم می‌شناسیم این شناخت کمتر توان شکل دادن اراده برای پذیرش شریعت و انجام واجبات را در درون برخی از ما ایجاد کرده یا انقدری در ما ایجاد انگیزه نکرده که با توجه به ارزش هویت دینی خود دیگران را هم به این راه دعوت کنیم.

یک جوهرایی می‌توان گفت که هویتی به عنوان هویت یک پچه مسلمان شیعه را خوب درک کردیم. از طرف دیگر همیشه آتمسفر روانی به این سمت تقویت شده که اگر مشکلاتی هست یا عقب ماندگی‌هایی وجود دارد به خاطر همین تقیدات دینی است. جامعه دیندار و مؤمن ما هم مدت‌هاست که وقتی موضوعات و مباحث به پارادیم آزادی، عدالت و… کشانده می‌شود، زمین را به حریف واگذار می‌کند و به تعبیری اثرگذاری آن به دلیل سمپاشی‌های مکرر مخالفان تقلیل یافته‌است.

هر چند معتقدیم آزادی به آن فرم اباحه گرایانه‌اش یک ارتجاع عجیب و بدوی است، اما توان تبیین آن برای نسل جدید تقلیل یافته‌است و شاید بهتر آن است که منطقی ما از زبان دیگری بیان شود تا بدون پیش داوری شنیده شود. چرا که به نظر می‌رسد در دیالوگ با این نسل دچار لکت

خبر

قائم‌مقام سیما فیلم: ۱۲ سربال الفویژه در دستور ساخت است

ساخت سربال «سلمان فارسی» در دکورهای «محمد رسول‌الله»



ایسنا: قائم مقام سیما فیلم درباره جزئیات ساخت پروژه «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری و همچنین سربال «حضرت موسی (ع)» به کارگردانی جمال شوره توضیحاتی را ارائه داد و در عین حال از ساخت ۱۲ سربال الف ویژه دیگر خبر داد.

سربال‌های «الف ویژه» غالباً به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که جوهری‌ندی‌های عظیمی هم داشته و معمولاً در شهرک‌های سینمایی تولید شده یا برای آن شهرک سینمایی برپا می‌شود، اما می‌توان فارغ از این مولفه‌های آشنا سربال‌هایی ساخت که فارغ از متر و معیارهای مادی و فرمی از حیث کیفیت ساخت و بازنمایی مضامین در حد استانداردهای جهانی بوده و بتواند در عرصه‌های بین‌المللی مطرح شود یا دست کم تعداد کثیری از مخاطبان را در تماشای اثر یا خود همراه کند. این سربال‌ها معمولاً به لحاظ محتوایی و اولویت‌های موضوعی، موارد متنوعی از میان موارد موجود در حوزه‌های محتوایی تاریخ انبیا، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ معاصر، دفاع مقدس (شهدا و فرماندهان)، انقلاب اسلامی و… را شامل می‌شوند. تلویزیون مدتی است در حوزه سربال سازی مورد نقد قرار گرفته و منتقدان آن معتقدند که جای سربال‌های ویژه الف در این سازمان خالی است. مسئولان این سازمان هر از چندگاهی خبر درباره ساخت سربالی با ویژگی الف می‌دهند که مشهورترنیشان سربال «سلمان فارسی» و سربال حضرت موسی (ع) است.

سید علی حمیدی – قائم مقام سیما فیلم درباره پروژه «سلمان فارسی» یا باین اینکه این مجموعه‌ای به عنوان «لدلادگی» به مرحله صفر پیش تولید است، توضیح داد: برآورد این مجموعه کمبایش انجام شده است. لوکیشن‌ها مشخص شده‌اند، بخشی از پروژه به ساخت دکور برمی‌گردد، بخشی از کار نیاز به اصلاحیه دارد و بخشی از پروژه نیز مستلزم سفری است که سازندگان باید پیش‌رو داشته باشند و همه لوکیشن‌ها مشخص شده‌اند که کجا خواهد بود.

وی با بیان اینکه یکی از لوکیشن‌های مربوط به سربال «سلمان فارسی» در خارج از ایران خواهد بود، در عین حال بخشی از دکور این سربال را مربوط به دکور فیلم سینمایی حضرت محمد (ص) عنوان کرد که بخشی از سربال میرباقری در این دکور ساخته خواهد شد؛ همچنین کارگاه‌های دکور و لباس هم شروع به کار کرده‌اند.

باز یگران سلمان فارسی هنوز انتخاب نشده‌اند

حمیدی در پاسخ به این پرسش که کدام بازیگران برای این



کربلای معلی است که به مدت ۵۲ دقیقه تهیه و تولید شده است. این تازه مسلمان آلمانی، قصه‌ای شنیدنی از عشقش به امام حسین (ع) و ماجرای حضورش در کربلا دارد. درباره جزئیات ساخت این مستند با کارگردان آن گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:



برش

می‌گفت: تصورم این بود که شما یک گروه فیلمساز کانسپ هستنید که می‌خواهید از طریق من پول در بیاورید. این نگاه را تا موکب امام رضا(ع) درباره شما داشتم؛ اصلاً بعد از دیدن حالت عز اداری و اشک‌های خالصانه فیلمبرد ار گروه، منقلب شدم و احساس کردم که قصد شما کمک به تبلیغ دین است

شده‌ایم که بخشی از آن متأثر از خطاهای برخی افراد منتسب به جبهه انقلاب است که بد تبلیغ کردند و بخش بزرگ تری هم به دلیل فعالیت‌های مخالفان است. بر این اساس به ذهنم آمد شاید اگر ایسن حرف‌ها را با یک تجربه کرده آن جنس از آزادی که برخی سواد آن را در سر دارند، چه در زمینه‌های اخلاقی و چه رفتاری به گفت‌وگو بنشینیم، شاید باورپذیر تر و قابل هضم‌تر باشد. این شد که از اسماعیل خواستم در مسیر پیاده روی هم قدم هم باشیم تا در این باره با هر حرف بزنیم.

اینکه چرا آن زندگی آزاد از هر جهت را، رها کرده و خودش را به دین و شریعت مقید کرده است.

♦ با پیشنهاد همراهی شما چطور برخورد کرد؟

برخلاف گفت‌وگوی شب اول، بعد از آغاز راهپیمایی زیاد از همراه شدن با ما که دوربین در دست داشتیم استقبال نکرد. دوربین ما حال معنوی او را خراب می‌کرد و به همین دلیل روز اول قید تصویربرداری را زدیم و از دیگر دوستان اطرافیان تصویر می‌گرفتم و فقط با هم حرف می‌زدیم. بعدها به من گفت «تصورم این بود که شما یک گروه فیلمساز کانسپ هستید که می‌خواهید از طریق من پول در بیاورید. این نگاه را تا موکب امام رضا(ع) درباره شما داشتم، اما آن شب بعد از دیدن حالات عزاداری، سینه زنی و اشک‌های خالصانه حمیدرضا (فیلمبردار گروه ما) منقلب شدم و احساس کردم که قصد شما کمک به تبلیغ دین است و من هم تصمیم گرفتم هر طوری که می‌توانم به شما کمک کنم.»

♦ ساخت این مستند چقدر زمان برد و چه تجربه‌ای برایتان داشت؟

ما برای مدت یک هفته در همان مسیر راهپیمایی اربعین و استقرار در نجف و کربلا ضبط داشتیم و مراحل بعدی هم بیشتر از یک هفته زمان نبرد، اما همانطور که از روایت مستند مشخص است وقتی مطلع شدیم که استنزیل قصد آمدن به ایران دارد تصمیم گرفتیم کار را معطل نگه داریم تا در ایران پذیرای او باشیم و این لحظات را هم ثبت کنیم. یک هفته‌ای هم در ایران با هم بودیم و یادگاری‌هایی با هم ضبط کردیم.

به یاد دارم روزی که اسماعیل وارد فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد شد، روز میلاد حضرت رضا(ع) بود. در سالن ورودی فرودگاه خدام حضرت در آن روز از زوار حضرت با گل و اسپند استقبال می‌کردند، اسماعیل وقتی این صحنه را دیده بود بدشت منقلب شده بود و هر شب فیلمی که از آن لحظه از او گرفته بودیم را تماشا می‌کرد و با گریه می‌گفت امام رضا(ع) مرا گفت زده کرد و زیباترین خاطره‌ام از حضور در ایران شکل گرفت.

♦ آرزوی اسماعیل چه بود؟

اسماعیل بشدت علاقه‌مند دیدار با رهبر انقلاب بود. به ما می‌گفت من همیشه سخنرانی‌های ایشان را گوش می‌کنم و نامه‌های ایشان به جوانان اروپایی را مرتب می‌خوانم. یکی از آرزوهای ملاقات با ایشان است. در انتهای فیلم هم تصمیم گرفت که با ایشان صحبت کند و از ایشان به خاطر رهنمودهایشان تشکر کند. امیدوارم روزی امکان ملاقات برایش فراهم شود.

♦ چرا عنوان «اویس وین» را برای این مستند انتخاب کردید؟

بعد از مسلمان شدن برای استنزیل که بشدت علاقه مند زیارت امام رضا(ع) بوده فرصتی فراهم می‌شود که او به ایران بیاید، اما به دلیل اینکه پدر مسیحی او مریض بوده او مسافرت خود را کنسل می‌کند. در جریان پیاده روی این موضوع را برایم تعریف کرد و یک شب در میانه راه در موکب از او خواستم تا ماجرا را برای حجت الاسلام شیرخدايي که از روحانیون همراه و از مبلغان بین‌المللی بود، تعریف کند. به دنبال ایسن بودم که یک چالش برایش ایجاد کنم که آیا اینکه پرسستاری از پدر مسیحی‌اش را به زیارت امام رضا(ع) که شاید هیچ وقت دیگر نصیحت نمی‌شد، برتری داده، کار درستی بوده یا نه؟ چرا که منادم هم این دلهره را داشت و تصور می‌کرد کار خطایی کرده و در یک فضای دو گانه مانده بود. ماجرا او خیلی شبیه به ماجرای اویس قرنی بود که به حال داستان‌ش را هم نشنیده بود. وقتی آن شب ماجرا را تعریف کرد و حجت الاسلام شیرخدايي هم ماجرای اویس قرنی را برایش تعریف کرد و گفت که تو اویس وین هستی، منقلب شد و احساس شغف خوشایندی برایش به وجود آمد.

فکراننگر

سیما و سینما

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷

۱۹ صفر ۱۴۴۰ | ۲۹ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۱۸۸ |

یادداشت

یادداشتی بر فیلم «روز واقعه» در روزهایی که عشاق حسین رهسپار سفر عاشقی هستند

در سفر عشق



معین عارفی: در فیلم روز واقعه با «سفر» طرفیم؛ یک سفر عینی و یک سفر ذهنی. سفر عینی عبدالله از مجلس عروسی‌اش به کربلا برای ملاقات با حسین بن علی- و سفر ذهنی او برای یافتن اینکه حسین کیست و چرا طلب کمک نموده است؟ فیلم باید از سفر عینی ما را به سفر ذهنی عبدالله برده و پاسخ سؤالات ذهنی‌اش را بدهد

- سؤالاتی که به مرور سؤالات ما شده‌اند- البته نه با کلمات که با تصاویر. آن هم تصاویری که حس و تجربه‌ای را در بستر یک قصه خلق کند. این دو سفر باید در تلازم یکدیگر شکل گرفته و هر کدام، در هر مرحله از سفر، مرتبط با هم باشند.

شروع سفر عبدالله از مجلس عروسی است و آن ندا! آیا کسی هست که مرا یاری کند؟

قبل از ورود به سکانس آغاز حیرت عبدالله و شروع طلب و سفر، بهتر است نگاهی به عشق او و راحله داشته باشیم. برای تعریف این عشق ما بکسری فلش یک می‌بینیم-که کوتاه هستند و در ابتدا مشخص نیست که دقیقاً از نگاه چه کسی است و حتی نمی‌دانیم که فلاش بکاند یا فلاش فوروارد-! و چند دیالوگ از عبدالله، راحله و پدرش. قصه عشق کوتاه است و نه مختصر! اختصار بیان حد کمال قصه‌است در زمان کم و کوتاه در توصیف قصه کم فروشی است. اگر ما عشق را قوی کنیم، بریدن از عشق نیز قوی‌تر می‌شود و حس را بیشتر برمی‌انگیزد. پس فعلاً از این دو عاشق و معشوق به همان فلش بک‌ها و دیالوگ‌ها قناعت می‌کنیم. نکته دیگر اینکه شروع آشنایی عبدالله با نام حسین(ع) –آنچه که بعداً خود می‌گوید- از زبان راحله بوده و حسین است که مقتدای راحله است. اما این را هم نمی‌بینیم، چیزی که بعداً می‌توانست در سکانس‌های بعد به کمک آید.

سکانس ورود مرد کوفی در آغاز داستان و جست و جوی او برای حسین(ع) باید به ما خمیرمایه بیشتری برای آغاز حیرت عبدالله بدهد- که نمی‌دهد! صدای مرد حرف شده و موسیقی آمده است. البته صدای شیهه اسب می‌آید به جای صدای بازگرای! یکی از اهالی همان صحبت‌ها را نقل می‌کند تا بقیه بشنوند. بعد هم یک فلش فوروارد از نگاه عبدالله. این‌ها باید جرقه‌هایی می‌بود برای آغاز سفر. اما عبدالله باز به دنیای عروسی برمی‌گردد و حتی در ذهنش چیزی نمی‌گذرد.

سکانس‌های اولیه مراسم ازدواج پررنگ‌تر از داستان و آدم‌هاست، اما این مراسم در آن سفر مورد اشاره نقشی ندارد. این مراسم حتی بر عشق و بر همان مقدمه چینی مرد کوفی می‌چربد. ورود خبر شهادت مسلم به مجلس عروسی و بعد ایجاد سؤالات و شبهات پیرامون سفر امام به کوفه. هنوز این‌ها مقدمه است و نمی‌تواند انگیزه سفر عبدالله باشد. «کجاست یاری کننده‌ای که مرا یاری کند؟» عبدالله می‌شود و باز تکرار صدا و تکرار آن فلش فوروارد و آغاز حرکت عبدالله.



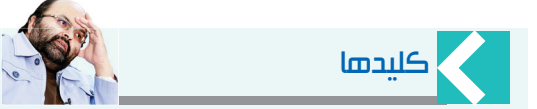
دلایل کم است و ناکافی. دلیل ترک عروسی باید برای اهل مجلس نامشخص باشد اما برای ما نه! ما می‌شویم آنچه عبدالله می‌شود و ما می‌بینیم آنچه عبدالله می‌بیند. ضعف بزرگ در کم بودن سلسله عبدالله است. چرا روشن چنین آماده است برای شنیدن ندا؟ علت مهم شدن جان عبدالله را حفظ می‌کند او هم اسباب سفرش را مهیا. این اعتماد از عشق او به عبدالله است یا ارادش به حسین(ع)، دو موضوعی که در فیلم گذرا و در حد اشاره به آن پرداخته می‌شود.

مراحل سفر عبدالله هر کدام نقشی دارند. در منزلی عبدالله سفیر حقانیت حسین می‌شود، جایی دیگر نماز سکوت نکردن در برابر ظلم، هر مرحله هم چیزی از دست می‌دهد. ابتدا وسایل رزمش، سپس اسبش. گویی همان گونه که آغاز سفر با یک ندای روحانی بود، هدف حضوری روحانی است تا جسمانی. دیگر فقط عبدالله است و روح شیدایش. عبدالله از راحله گذشت و همه یادگاری‌ها و او را نیز از دست داد. اما معشوق بزرگ او، حسین، در منزل آخر مرکب را برایش تدارک دیده تا باز معشوقه به یاری عبدالله بشتابد. عبدالله قرار است نظاره گر عاشورا باشد و راوی مظلومیت حسین (ع) برای اهل ديارش. درسکانس‌های مرتبط با عاشورا اسلوموشن شدن از نگاه عبدالله، خیلی خوب است و معنا می‌دهد. برای او دیگر زمان کند می‌گذرد و غرّت فضا را می‌سازد. معنای آن سنگ و خون را نمی‌دانم! اضافی است.

و باز یک صدا: برگرد ای جوانمرد و خبر ما را ببر. اینجا باز صدای ماورایی و صدای یک زن و اتمام حجت بر عبدالله و پایان سفرش. او مورد دو صدا، هم در سکانس آغاز سفر و هم این صدا. جنس صداها مثل صدای بازیگران فیلم است و حس نمی‌دهد. انتخاب صدای بهتر و در کنتراست با صدا‌های غالب فیلم حس بهتری می‌داد. شاید صدایی معنوی.

روز واقعه را به دلیل دوست دارم، اول این که فیلمساز برای روایت واقعه‌ای بزرگ در سربال داستانی کوچک- و شخصی- رفته است که در این راه به خوبی هم به واقعیت وفادار بوده و هم برای خیال نقشی موثر قابل شده. و در ثانی انتخاب الگوی کهن سفر قهرمان برای نزدیک کردن ما و شخصیت اصلی قصه به واقعه عاشورا بسیار خوب از آب درآمده است. در این کلون شخصیت شخصی می‌شود درگیری حس می‌بینم. برای نمونه خوب این تمهید در سینمای ایران «دیده بان» است.

سفر در سینما با سفر در ادبیات و عرفان تفاوت دارد. در سفر سینمایی جزء به جزء آلمان‌های تصویر باید ذهنیات را به عینیت تبدیل کنند. با نور، سایه، مکث، اینسرت، حرکت دوربین. رشد شخصیت را باید ببینیم-و نه آنکه بدانیم! روز واقعه بیشتر از جنس دانستن است، اما با همه این‌ها فیلم مهمی در سینمای عاشورایی است.



کلیدها

روزنوشته‌های علی محمد مؤدب|

جهانی کردن آرمان ایمان و عدالت

عاشورا با ایجاد مناسک و فرم‌های مربوط به خودش در زمینه تولید محتوا و نیز اجراییات، بخشی از زمان را خاص خود کرده است و اجازه نمی‌دهد ما در طول سال رؤیای شکوهمند عدالت را فراموش کنیم. وقتی عزیزی به عظمت امام حسین(ع) خود و خانواد‌اش را در راه عدالت و حقیقت قربانی کرده است، یعنی این رؤیا امکان تحقق دارد و این بزرگ‌ترین خدمت سیدالشهدا(ع) به بشریت است و راز آن جمله معروف امام خمینی(ره) که: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

زیارت اربعین در یک آیین شکوهمند آخرازمانی این رؤیا را جهانی کرده است. از این منظر است که می‌توان اربعین را افتتاحیه و رمز آغاز عملیات تمدن عاشورایی نامید. انقلاب اسلامی خود یکی از نتایج و میوه‌های قیام عاشورااست و باید رؤیای عدالت را در درون خود زنده نگه دارد تا نسبتش را با شجره طویه عاشورا از دست ندهد. آیین راهپیمایی و زیارت اربعین یکی از فرصت هایی است که خدا برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است تا تازگی و طراوت خود را از دست ندهد و از این منظر است که خدمات ویژه نهادهای برآمده از جمهوری اسلامی با زیارت اربعین معنا و فلسفه خود را پیدا می‌کنند. به هر حال اما در سال‌های اخیر این خدمات در حوزه هایی رو به کاستی نهاده است و مردم امسال در مسیر اربعین متحمل دشواری‌های بیشتری شدند و حتی صحنه هایی مثل توزیع ارز از سوراخ‌های دیوار، انگار برای تحقیر مردم طراحی شده بودند.

اربعین البته بنا به تصریح روایات راه خود را خواهد رفت. مهم این است که ما در این قسه بی نصیب نیابیم. وقتی در روایات ما سخن از ایجاد صحنی از کربلا تا نجف در آخرازمان رفته است، تقلاهای شورای شهرهای کجا و کجا در تخفیف و کاستن از شأن و شکوه اربعین، زحمت مگسی است که شکوه سیمرخ را نشانه رفته است. در این میان وظیفه ما انقلابی‌ها و همه نهادهای مردمی انقلاب این است که با ایجاد پلتفرم‌ها و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و استفاده از ظرفیت‌ها و ظرفت‌هایی مثل وقف و نذر و هدایت این‌توان‌ها، امکانی برای ارائه خدمات به این گردهمایی شکوهمند عدالتخواهان مؤمن ایجاد کنیم و امکان ضربه زدن به مناسک و اجراییات این‌ رؤیای ارجمند را از سبکسران و کج اندیشان بگیریم.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

ترامپ و سیاست ترس

هفته نامه‌ویک در تازه‌ترین شماره خود با استفاده از همزمانی چاپ این شماره با روز هالوین، در گزارشی با عنوان «سیاست ترس» به شکل خاص اداره کشور توسط دونالد ترامپ می‌پردازد. این مجله چهره ترامپ را روی کدو حاویلی که یکی از نمادهای هالوین است حکاکی کرده و از نقشه‌های عجیب و شاید ترسناک ترامپ برای موفقیت ستاتورها‌های نزدیک به خود در انتخابات میان دوره آمریکا می‌گوید.

چهره متفاوت سینما

نشریه اکوایزر به یکی از چهره‌های متفاوت این روزهای سینما یعنی استیو کارل می‌پردازد. کارل که برای سال‌ها یکی از چهره‌های فیلم‌های کم‌دی معمولاً سطح پایین بود، امسال در سه فیلم متفاوت و بسپار جدی با نام‌های «پسر زبیا»، «معاون» و «به ماروین خوش آمدید» سطح کار خود را به درجه متفاوتی ارتقا داده است. این نشریه مصاحبه‌ای اختصاصی نیز با مالک مشهور شرکت پولو

یعنی رالف لورن انجام داده، جایی که او در یکی از صحبت‌های جالبش اعتراف می‌کند که برای سال‌ها فکر می‌کرده که تابلوی محدودیت سرعت، یک تابلوی پیشنهادی است!

نقش مهاجران در رشد اقتصاد آمریکا

ماهنامه این دبیز تایمز (در این روزگار) در تازه‌ترین شماره خود به نقش پررنگ مهاجران در پیشرفت آمریکا با وجود سختی‌های اخیر به وجود آمده برای آن‌ها می‌پردازد. این نشریه با تیتیر «در زیر سطح یخ» و با طراحی یک کوه یخ درون دریا به روی جلد، شرکت‌های بزرگی را که در آمریکا توسط مهاجران تأسیس شده و کمک شایانی به رشد اقتصادی آمریکا کرده‌اند، روی یخ‌حک کرده است و سخت‌گیری‌های اخیر آمریکا برای مهاجران را زیر ذره بین آورده است.

گزارش از شخص

خطیب مردم

نگاهی به فراز و فرودهای زندگی «حسینعلی راشد»

ایستگاه/ مجید تربت زاده|
قرار بود ۳۵ خانه اطراف را بخرند، بگویند روی هم و به جایش ساختمان‌ی برای مجلس شورای ملی بسازند. قیمت خوبی هم روی خانه‌ها گذاشته بودند تا مالکان راضی بشوند، پول را بگیرند و از خیر خانه‌های قدیمی که افتاده بود نوی طرح، بگذرند. به مسئولان خبر رسید که همه مالک‌ها راضی به فروش خانه شان شده‌اند و فقط مانده یک نفر. آخوند سرشناسی هم هست و اعلام کرده به قیمت کارشناسی اعتراض دارد. عده‌ای کنار گوش مسئولان و کمیسیون قیمت گذاری زمزمه کرده بودند که: «آقای آخوند، طمع کرده...پول بیشتری می‌خواهد... باید یک جوری راضی‌اش کرد... نمی‌شود طرح را معطل یک نفر نگه داشت.» نامه نوشتند و مالک ناراضی را دعوت کردند فلان روز بیاید، حرف هایش را در کمیسیون کارشناسی بزند تا ببینند مژه دهانش چیست. ارزش داشت ۱۰ یا ۲۰ درصد بالاتر قیمت بگذارند، آخوند را راضی کنند و قال قضیه را بکنند...

از ایشان استفاده کنید

نمی‌شود بی مقدمه از تولد، کودکی و تحصیلاتش حرف زد. ۹۳ سال پیش، در روستایی اطراف «تربت حیدریه» به دنیا می‌آید، اما در خانه پدری که با وجود گمنام بودن و زندگی در روستایی دور از امکانات، برای خودش عالم و عارفی تمام و کمال است. یعنی ناچارمی‌پیش از نوشتن درباره «حسینعلی راشد»، دستت کم همین قسمت «مطلب را در باره پدرش «ملا عباس تربتی» بنویسیم. مردی که علم و عمل و عرفانش ساده پا به پای هم رشد کرده و از روستایی ساده که چه در دوره خودش و چه در دوره‌های بعد، کمتر می‌شود برایش نظیر و مشابهی پیدا کرد. «ملا عباس تربتی»، پدر سوژه امروزمان همان کسی است که «شیخ عباس قمی» نویسنده و گردآورنده «مفاتیح‌الجنان» وقتی ماه رمضان،

در مسجد گوهرشاد، منبر رفت و همان اول کار چشمش در گوشه مسجد، میان جمعیت به «ملاعباس» افتاد، بی مقدمه گفت: «مردم! آقای «حاج آخوند» هم در مسجد تشریف دارند... از ایشان استفاده کنید». بعد هم از منبر پایین آمد، ملا عباس را راضی کرد روی منبر برود و برای مردم صحبت کند. می‌گویند شیخ عباس قمی که همه جمعیت به خاطر منبرش، سر و دست می‌شکستند، تا پایان رمضان آن سال، حاضر نشد با وجود آخوند ملا عباس تربتی، منبر برود و مجلس را تا آخر به عالم و عارف روستایی سپرد.

احساس خفت نمی‌کردم

«حسینعلی راشد» در خانه چنین کسی به دنیا آمد و با حساسیت‌های اخلاقی و تربیتی او، تربیت شد. بخشی از تحصیلات ابتدایی را نزد همین پدر فرا گرفت، در ۱۳ سالگی همراه همین معلم و همین پدر به کربلا مشرف شد، در ۱۶ سالگی باز هم همراه پدر برای ادامه تحصیل به مشهد آمد و پای درس بزرگانی چون ادیب نیشابوری، حاج شیخ محمد ناهوندی و دیگر بزرگان حوزه مشهد نشست و بسطج عالی فقه و اصول را که تمام کرد، با راهنمایی همین پدر برای رسیدن به مراتب اجتهاد راهی نجف شد و... در خاطراتش از دوران کودکی و تحصیل مقدماتی در شهر «تربت حیدریه» گفته است: «... این هوش و حافظه و این پیشرفت سبب سربلندی من شد. در برابر همسالگردان که دیگر احساس خفت نمی‌کردم، بلکه همه آن‌ها با نظر اعجاب به من می‌نگریستند!» جمله «دیگر احساس خفت نمی‌کردم» باید توجهتان را جلب کرده باشد. ماجرا از این قرار است که در چند ماه نخست ورود «راشد» به شهر و حضور در مکتبخانه، شاید به خاطر ظاهر و لباس روستایی و ساده‌اش، مورد تمسخر کودکانه همکلاسی‌ها بوده است. گویا مادر که رنجش و غصه کودکش را می‌بیند «ملا عباس» را در جریان قرار می‌دهد. پدر ترجیح می‌دهد با روش خاص خودش، اعتماد به نفس



بازاری‌های مبارز برگزار می‌شد. «راشد» حالا هم در هیئت تحریریه روزنامه‌ها مشغول به کار بود و هم فلسفه و فقه تدریس می‌کرد، البته بیماری صرع که از زمان حضور در زندان آغاز شده بود، خیلی از روزها او را از فعالیت باز می‌داشت.

من مسلمان می‌شوم

پایان دوره استبداد رضا خان، آغاز دوره دوم محبویت «راشد» بود. به رادیو راه پیدا کرد و سخنرانی‌های گفتگوش بیشتر از ۳۰ سال از این رسانه پخش می‌شد. حتی سال‌های آخر که نابینا شده بود، سخنانش در خانه ضبط و سپس از رادیو پخش می‌شد. دانشگاهیان هم به جایگاه علمی او پی برده بودند تا در دانشگاه تهران و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) به او اجازه تدریس بدهند. جالب اینکه او سابقه یک دوره نمایندگی مجلس را دارد. البته نخستین سخنرانی پیش از دستورش، چنان جنجالی را در مجلس ایجاد کرد که پس از آن حاضر نشد دوباره در مجلس حضور پیدا کند! برای تمام کردن مطلب باید دیگر رخدادهای زندگی را بگویم و برسم به ۷ آبان سال ۱۳۵۸ و درگذشتش.

در این صورت ماجرای خانه «راشد» که در مقدمه مطلب گفتیم، ناتمام می‌ماند. «آخوند «حسینعلی راشد» به کمیسیون کارشناسی آمد که اعتراضش را به قیمت گذاری خانه‌اش بگوید. قیمت خانه من اینقدر کم شما می‌گویید نیست... از کیسه خلیفه بخشیده‌اید که اینقدر پول بیت المال را به من می‌دهید؟ قیمت خانه من خیلی کمتر از این مبلغ است!» می‌گویند مهندسی یهودی که عضو کمیسیون بود، برخاست، صورتش را بوسید و گفت: اگر مسلمان و مسلمانی این است، به خدا من از امروز مسلمان می‌شوم. .

آن روزها

شب‌ها حرکت می‌کردیم و روزها اتراف می‌کردیم و قصد داشتمیم تا پاسی از شب به راه خود ادامه دهیم، عربی روستایی جلوم می‌آمد و اصرار می‌کرد و اگر نتیجه نمی‌گرفت، تهدید می‌کرد، با شدت و غضب تنگ‌خود را آماده شلیک می‌کرد، اما نه برای کشتن میهمان، بلکه آن را به حاج آقا مصطفی می‌داد و می‌گفت: «اگر می‌خواهید بروید، بروید اما از روی نشی من!»

۱۵ شعبان و عرفه پیاده به کربلا تشریف می‌یافتیم... یکی از خوش‌ترین و دل انگیزترین ایام مجاورت در عتبات همین سفرهای پیاده به کربلا بود... کاروانی بسا پاهای ناول‌زده و چهره‌های گردآلود رو به سوی کربلا روان بود، اما عبور کردن از راه باریکی که از سمت چپ نخل‌های بلند و از جانب راست شط فرات آن را می‌فشرد، خستگی‌ناپذیر بود. در تابستان

یا بمانید

یا از روی نعش

من رد شویدا

تلنگر

معرفت دُر گرانی‌ست

ایستگاه / رقیه توسلی؛ یُست سلبریتی افشار و واکنش کاربران شبکه‌های مجازی را دنبال می‌کنم. جملات استخوان دار و موقر بعضی از کامنت‌ها تشویقم می‌کند به خواندن بیشتر.عدم یا سهو موجود در توبیت این هنرپیشه را نمی‌دانم و بر دُمّه خودش، اما از اشتباه مذکور این نکته خوب دستگیرم می‌شود که با باور و اعتقاد یک مسلمان در لغافه هم نمی‌شود موضع گرفت که در آن صورت فرقی نمی‌کند که رکورددار بیشترین فالوور اینستا باشی یا خیر، مشهور باشی یا خیر، عاشقان ایرانی اهل بیت(ع) حتماً روبه‌رویت صف خواهند کشید.

هرچه که بیشتر می‌گذرد، هشتگ و سلوک نوشتاری و اندازه ایرانی بودن این بازیگر مؤنث، سوال پزنگی می‌شود برایم... ساکت ننشستن و مخالفت مخاطبانی که روزی با نام اتمه(ع) عاشق شده به حُب به مرز و بوم را فهمیدند... زنان و مردانی که وزوز قلم‌های اشتباهی را تاب نمی‌آورند هرگز و ایرانی‌تر از حرف‌اند... ایرانی‌تر از ادعا.

آن‌ها که آمدند و نوشتند:

آخر عشق به امام حسین (ع) کجا، نطق‌های جاهلانه کجا؟

خوبه خودتم نوشتی با همه فرق داری.

خانم! محل تولد فرزندت کجاست؟ بیا و دُم از ایران دوستی زن.

توبیت شما، من را یاد عبدالله بن زبیر در فیلم مختار انداخت آنجا که گفت: ما را با خون حسین چه کار؟

من به عنوان یک ارمنی امام حسین(ع) را خیلی دوست دارم.

معرفت در گرانیست به هر کس ندهند / پر طلوس قشنگ است به هر کرس ندهند.

شما دو اقامتی‌ها درباره عشق به وطن چنر نظر می‌دهید؟

حضرت زینب(س) خطاب به یزید فرمود:ای یزید! هر کید و مکر که داری بکن، هر کوشش که خواهی بنمای، هر جهد که داری به کار گیر؛ به خدا سوگند هرگز نتوانی نام و یاد ما را محو کنی.

کامنت‌های بی پایان را و می‌گذارم و چندبازی «الهی العفو» می‌گویم... به غایت روحیهام با ارادت پرویمجان کاربران به اربعین عوض می‌شود... با ازدحام هشتگ‌ها# حب_الحسین_چمعنما... با دلدادی به فرزندامیر که دارایی بزرگ مسلمان هاست. کلمات بی موقع و مکان بازیگر سینما را فراموش می‌کنم و به رخت عزای کاروان پیاده‌روی اربعین در تلویزیون خیره می‌شوم... به آدم‌ها که نمی‌دانستم می‌شود جنس شان جعلی و اصلی داشته باشند... به تب عاشقانه‌ای که فقط نام «حسین» بر جان‌ها می‌نشاندا!

مجاز آباد

مدعی امام زمانی در تلویزیون!



ایستگاه / گاف‌های مجریان صداسیما انگار تمامی ندارد! چند روز پیش مردی به نام «محمد حسین پور» معروف به «دکتر سایان» درحالی روی صندلی برنامه «حالا خورشید» نشست که گفته می‌شد یکی از عالمان، فیلسوف‌ها و نوابع ایرانی است! حالا گندش درآمده که

دکتر سایان چندی پیش مدعی شده امام زمان است! با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت می‌فهمید که این تنها ادعای عجیب و غریب این مرد نیست و سوابق عجیب‌تری هم در کارنامه‌اش دارد!رضا رشیدپور مجری برنامه حالا خورشید که تازه فهمیده چه گافی داده است و چه کسی را به برنامه‌اش دعوت کرده، با انتشار یک پست توییتری از مردم ایران عذرخواهی کرد.



ایستگاه / هرچند عباس آخوندی از وزارت راه استفاده داد اما حواشی پیرامون او تمامی ندارد! بعد از استعفا‌ی آخوندی، ۱۶۷ نماینده مجلس در نامه‌ای از اقامات آقای وزیر قدرانی کردند! تشکر نماینده‌ها از وزیر سابق راه هم سوژه فضای مجازی شد و بسیاری از کاربران از این اقدام نماینده‌ها انتقاد کردند.

برخی از پست‌های منتشر شده توسط کاربران را در ادامه می‌خوانید: «این ماجرا منو یاد یک قصه‌ای انداخت. یک روز بچه سوسکه داشت از دیوار می‌رفت بالا، مامانش بر گشت گفت قریون دست و پای بلوریت برم... بزرگواران مشخص نکردن تقدیرشون به خاطر متوقف کردن ساخت مسکن مهر و پنج برابر کردن قیمت مسکن بوده یا به خاطر بی‌کفایتی و کم‌تحرکی؟!»